

پژش روزنامه‌ها

لطفاً به خودتان بگرد، رهبری با شماست

هلمشهری

رهبر معظم انقلاب طی چند ماه و بلکه چند سال گذشته جهاد تبیین و روشنگری بوده است و حالا در دیدار اخیر مردم آذربایجان، حجت را تمام کردند. فرمان رهبر معظم انقلاب نیازمند یک تحول معنایی در رسانه است. کدام تحول؟ مسئله اصلی این است که رسانه باید از اقدام روزمره و طبیعی خارج شود و آرایش جنگی بگیرد، همین. کل کلام در این عبارت است. در دل آرایش جنگی دو جزء مفروض است:اول دشمن و دوم مجاهدت. دیدن دشمن به اقدام رسانه‌ای ما رنگ می‌زند. آرایش رسانه‌ای باید دقیقاً نقطه مقابل هدف گذاری دشمن باشد. امروز دشمن امید را هدف گرفته است، تخریب اعتمادبه‌نفس و چنددستگی را نشان کرده‌است و برای خودتحقیری برنامه‌ریزی می‌کند. با این توضیح رسانه باید متناسب با همین اهداف آرایش بگیرد، هم در خنثی‌سازی و هم تهاجم بی‌امان به دشمن و اما دوم مجاهدت است. در جنگ با دشمن تنها کسانی می‌مانند که مجاهدت داشته باشند، شب و روز نشناختن، از مال و آبروی‌شان خرج کنند و خود را کاملاً به‌روز و مجهز به علم و مهارت و ابتکار و خلاقیت کنند. اینها ابزار مبارزه است. با زندگی عادی نمی‌توان مقابل دشمن آرایش گرفت. حرف تمام است، آنچه رهبر معظم انقلاب می‌خواهند، آرایش جنگی است، مجاهدت مقابل دشمن در دفاع از مردم. دشمن، ذهن و قلب هر نفر از این مردم مظلوم را تصاحب کند، گویی بخشی از این خاک را به غارت برده است. باید غیرت داشت، و گرنه به تعبیر مرحوم شریعتی: «وقتی از صحنه حق و باطل زمان خویش غایبی، هر جا خواهی باش، چه به نماز ایستاده باشی و چه به شراب نشسته باشی، هر دو یکی است.»

چگونه نرم‌افزار افکار عمومی دستکاری می‌شود؟

روزنامه جام‌جم در یادداشتی در تبیین

بیانات رهبر معظم انقلاب در خصوص تهدید نرم‌افزارانه دشمن با بیان اینکه دستکاری افکار عمومی می‌تواند به تغییرات بنیادین منجر و زمینه‌ساز تحولات سیاسی، اجتماعی و حتی نظامات حکمرانی شود، نوشت: باید توجه داشت که اختلال در نرم‌افزار افکار عمومی می‌تواند به «پیدااختلال در سامانه اولویت‌های اساسی کشور» منجر شود. این یعنی اولویت‌بخشی به موضوعات غیرو اولویت‌دار و مشغول‌سازی افکار عمومی و طبعیتاً به حاشیه‌رفتن مسائل اساسی یک کشور. یکی دیگر از پیامدهای دستکاری در نرم‌افزار افکار عمومی «کاهش سرمایه اجتماعی و مقاومت افکار در برابر پیام‌های رسمی» است. نویسنده اضافه کرده است: «اختلال در قدرت تصمیم‌گیری» از دیگر پیامدهای دستکاری افکار عمومی است. وقتی اختلال و به‌هم‌ریختن دستگت‌های محاسباتی ایجاد شود، حتماً تصمیم‌گیری‌ها با خطا مواجه خواهد شد. در این شرایط ره تصمیمی که گرفته می‌شود، می‌تواند جامعه را از رسیدن به اهداف اصلی دور تر کند. یکی دیگر از پیامدهای اختلال در نرم‌افزار افکار عمومی، «نفوذ و مرجعیت‌یافتن پیگانگان است. سرمایه‌های گفتمانی وسیع دشمن در حوزه رسانه تابعی از همین واقعیت است. تصویرسازی از توان بیگانه و در مقابل ضعیف‌نمایی از مؤلفه‌های قدرت ملی. یکی دیگر از پیامدهای دستکاری افکار عمومی «باز رفتن فرصت‌هاوجانشین‌شدن تهدیدهاست». هدف گرفتن اعتماد جامعه به کلیات مدیران در توجه‌به ضرورت‌تهدیدتجصح درامور حکمرانی ازاهداف دشمن است. باید متوجه باشیم آرایش رسانه‌ای و ازجانبی جبهه دشمن با به‌خدمت گرفتن پادوها وادادگان داخلی وامید او به اختلال محاسباتی کار گزاران و تصمیم‌سازان کشور تغییر شکل یافته و این مسئله ما را ناگزیر می‌کند به‌صورت پیوسته نسبت به دوررسی‌وضعیت نرم‌افزار افکار عمومی مراقبت کرده و پیام خود را به‌مدیریت و نظام محاسباتی مردم و مسئولان را با واقعیات میدانی تنظیم کنیم.

فرار باکرار

روزنامه رسالت در یادداشت دیروز خود نوشت: وقتی کار قطع فقه‌های باقی‌مانده یهودیان در منطقه خیر سخت شد و سپاه اسلام عملاً متوقف مانده بود و هر فر مانده از سپاه اسلام بدون فتح از میدان بازمی‌گشت، پیامبر خدا(ص) به مسلمانان وعده‌ای دادند که نوید پیروزی بود: «لادفعن الایه غدا ان نساله‌الله الی رجل کرل غیر فرار یحب‌الله ورسوله و یحبه‌الله ورسوله لا یتصرف حتی ینفتح‌الله علی یده». یعنی فردا پرچم را به هر کسی می‌سپرم که خدا و پیامبرش را دوست دارد و خدا و رسول نیز او را دوست دارند، کسی که حمله می‌کند و فرار نمی‌کند. از این جهت مهم است که نگاه ما به وقایع امروز جهان از جنس فرصت است یا تهدید. ما اگر «فر غیر فرار» باشیم، اگر عاشق خدا و اولیای خدا باشیم و معشوق آنها، از هر فرصتی برای خدمت به این راه استفاده می‌کنیم و اگر غیر از این باشد، فرصت‌ها را به‌مثابه «دردر» می‌بینیم. آنها را بلاهای می‌بینیم که هر چه زودتر باید شرشان کنده شود. همه، ما اگر پس از پذیرش آتش‌پس توسط حماس و رژیم‌اشغالگر و پایان موقتی جنگ غزه، نفس راحتی کشیدیم و نداشتیم که از شر یک جنگ مزاحم و اخبار سیاه‌ و نگرانی‌ها و خطرهایش احت‌شده‌ایم، در وهله اول دشمنان را نشناخته‌ایم و نفهمیده‌ایم که یهوداگر در خیرپن‌پناه می‌گیرد، برای آن است که فرصت دیگری خلق کند و جنگ احزاب دوبارای راه بیندازد. در وهله دوم خدا را نشناخته‌ایم و نداشتیم‌اگر هم ما بی خیال جهاد با ستمگران شویم، خدا هم راه خود را معلط ما می‌کند. در وهله سوم هم خودمان را نشناخته‌ایم. به گمان خودمان خدا را دوست داشته‌ایم و او هم ما را دوست داشته، حال آنکه نشانه عشق خدا «کرار» بودن است.

مصدق عینی و عملی وفاق

حسین کتغانی‌مقدم، فعال سیاسی اصولگرا در یادداشتی در روزنامه ایران نوشت: به باور من وفاق ۱۲ مؤلفه دارد که اکنون مجال شرح آن نیست، اما این مؤلفه‌های ۱۲ گانه نشان می‌دهد که وفاق تنها به این معنی نیست که جریان‌های سیاسی در مدیریت دولت هم‌داشته باشند. به عنوان نتیجه میان جریان‌های سیاسی با دولت به معنای وفاق ملی نیست، زیرا وفاق ملی وقتی اتفاق می‌افتد که در وهله اول، مردم از زمینه حل مشکلات و مسائل مختلف کشور همدل و همراه باشند. از سوی دیگر جریان‌های سیاسی نیز با کنار گذاشتن رقابت‌های سیاسی و تلاش برای همکاری (به‌هم‌افزایی در حل مشکلات کشور تلاش کنند. فقر، فساد و مشکلات اقتصادی شاخص‌ها یا مؤلفه‌هایی است که نبض مسائل اجتماعی ما آنها می‌تبد که اتفاق قابل اندازه‌گیری هم هستند، بنابراین هرگاه این مؤلفه‌ها رف و با گسترش آنها با حل مشکلات رقابت‌های سیاسی و وفاق ملی رخ داده نتواند خواهند داشت، بنابراین به عقیده من مصداق عینی و عملی وفاق همدل شدن جریان‌ها، گروه‌های سیاسی و قوای حل این مسائل و جلوگیری از گسترش این سه مؤلفه است و به باور من وفاق معنایی جز این نخواهد داشت. وفاق زمانی برای مردم دشومند و قابل لمس است که این مؤلفه‌ها را به عنوان نتیجه عملکرد مسئولان، تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان ببینیم، یعنی محصول وفاق عینیت یافتن باشد. همه جریان‌های سیاسی در کشور باید برای حل این مشکلات به دولت کمک کنند. موفقیت دولت موفقیت نظام است و خود مردم این مصداق عینی وفاق است. مردم به دنبال حکمرانی خوب هستند، هر حکمران‌ان خوب و هم حکمرانی خوب. مهم این است که مسئولان حکمرانی خوب هم داشته باشند تا بر مشکلات کشور فائق شوند. محصول این وفاق باید قابل رؤیت باشد که همان اقدام عملی در وفاق است.



توسعه الگوی انقلاب اسلامی اجتناب ناپذیر شده است

سیاست «منهای ایران» در منطقه قابلیت اجرایی ندارد



انقلاب اسلامی از ابتدا به دلیل استقرار

یک نظام سیاسی مستقل و سلطه‌ناپذیر یا پشتوانه ایدئولوژیک اسلامی توانست مفهوم جدیدی را وارد نظام جهانی کند. پس از آن، برخی مردم و حتی دولتمردان جهان وقتی با این مفهوم مواجه شدند، از آن استقبال کردند و برخی نیز با الگو قرار دادن آن، درصدد تغییر برآمدند. گفتنی است انقلاب اسلامی به عنوان نمونه‌ای از حکومت دینی مبتنی بر شریعت، برای مردم و کشورهای مسلمان (اعم از شیعه و سنی) جذابیت دارد. تمایل به الگوبرداری و پیوستن به انقلاب، از همان ابتدا و گسترش آن به موازات قدرت یافتن و غلبه بر توطئه‌ها و تهدیدات در منطقه و بلکه درمنطقه احساس خطر در دشمنان روزه‌روزافزایش یابد، از این رو دستسور کار ویژه مهر جمهوری اسلامی در رأس اقدامات آنها قرار گرفته است و متناسب با افزایش قدرت ایران نیز متحول می‌شود. سبب دشمنی انقلاب در همین رابطه در سخنان خود در روز دوشنبه فرمودند: «انقلاب اسلامی توانسته است خود را به عنوان یک هویت مستقل و یک پایگاه عظیم و امیدبخش برای ملت‌های منطقه و بلکه درمنطقه حفظ کند و نگه دارد. علت عصیانیت مستکبران و مستعمران عالم از جمهوری اسلامی، ایستادگی و مقاومت ملت ایران در مقابل آنهاست.»

توسعه خودجوش پیشش مقاومت

یکی از نتایج انقلاب اسلامی اثری است که در نظریه‌پردازهای انقلاب و افکار عمومی جهان گذاشته است. به طور کلی، کشورها و جوامعی که تحت ستم سیاسی و اقتصادی از سوی کشورهای قدرتمند و استکباری قرار دارند، از انقلاب‌ها تبعیت

یا به آنها گرایش پیدا می‌کنند.

یکی از مؤلفه‌های قدرتمند در رابطه با ظهور گفتمان انقلاب در منطقه، محور مقاومت است. با وجود آنکه معاندان و دشمنان انقلاب، از محور مقاومت تحت عنوان نیروهای نیابتی یاد می‌کنند، اما در حقیقت، خاستگاه و اهداف مشترک در میان مردم و برخی سیاستمداران سبب تأسیس تشکیلات محور مقاومت شد. در واقع، ایدئولوژی به عنوان چارچوب فکری مشترک، این گروه‌ها را حول اهداف مشخص متحد کرده است، البته دشمن با هدف تضعیف، جلوگیری از گسترش مقاومت و به‌زنده‌دار کردن حضور مقاومت در کشورهای منطقه این دروغ را ترویج می‌دهد.

گفتمانی است ایران در دهه‌های اخیر با استفاده از ابزارهای سیاسی، نظامی و ایدئولوژیک، نفوذ خود را در منطقه افزایش داده است. حمایت از گروه‌هایی مانند حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن و گروه‌های مقاومت متحد کرده است و با استفاده از سوی برخی کشورها و قدرت‌های جهانی به عنوان تالش برای «صادرات انقلاب» تفسیر شده است. این اقدامات، به ویژه در بستر رقابت‌های منطقه نشانه آشکاری از تقابل غیرمستقیم آنها با ایران و قدرت‌های غربی را تهدید کرد.

به عنوان نمونه، در امریکای جنوبی سابقه کارها با استفاده از غارت منابع کشورها که به گسترش فقر و عقب‌ماندگی در آنجا منجر شده است، باعث همدلی افکار عمومی با اصول انقلاب اسلامی شد. در حمایت از مستضعفان و تقویت ایران برای تثبیت ظلم و استیلا تأکید می‌کند، شده است، از این رو در میان اندیشمندان متأخر امریکای لاتین نیز این نگرش وجود دارد که شعار مبارزه با استکبار جهانی در انقلاب اسلامی را مترادف با ضدیت خود با امپریالیسم تلقی می‌کنند.

خروج ونژونال، بولیوی، کلمبیا، اکوادور، پرو و پاناما با استعمار غرب سبب شد امریکا توجه ویژه‌ای را برای براندازی و تغییر حاکمیت این دولت‌ها برای بازگشت نظام استعماری به خرج دهد، از سوی عضو هیئت رئیسه مجلس خبرگان رهبری خاطر نشان کرد: دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی کشور ما با تقویت امنیت سایبری و مقابله هوشمندانه با جنگ ترکیبی و جلوگیری از نفوذ دشمن و همچنین شبکه‌سازی و اقدامات قوی ضدجاسوسی ضربات سنگینی به دشمنان جمهوری اسلامی به ویژه امریکا، صهیونیست‌ها و حامیان آنان در منطقه زدند. آیت‌الله کعبی گفت: راهبرد کلانی که دستگاه‌های امنیتی باید بر آن متمرکز باشند، تقویت امنیت دیجیتال کشور است و مدیریت هوشمندانه فضای مجازی، کشف و ضربه زدن به شبکه‌های ضدامنیتی که دشمن در تلاش است شبیه‌سازی‌های جاسوسی انجام دهد، با مدیریت قوی و استفاده از ظرفیت‌های دیجیتال کشور و همچنین مدیریت صحیح قدرت نرم جمهوری اسلامی که بر پایه حضور قوی و همیشگی مردم در صحنه

سرویس سیاسی ۹۰۰۸۵۲۳۰۶ | چهارشنبه اول اسفند ۱۴۰۳ | ۲۰ شعبان ۱۴۴۴ |

دیگر، واشینگتن تلاش می‌کند از نفوذ ایران در این منطقه جلوگیری کند. به طور مثال، کاخ سفید کشورهای امریکای لاتین را برای حمایت از کمپین ضدایرانی «فشار حداکثری» ترامپ، تحت فشار می‌گذارد.

دلیل تحت فشار قرار دادن ایران

در مجموع و با توجه به موارد ذکرشده، گفتمان انقلاب اسلامی بر پایه مقاومت در برابر سلطه‌جویی غرب (به ویژه امریکا) و حمایت از جنبش‌های مستضعفان شکل گرفته است. این رویکرد در تقابل مستقیم با منافع استراتژیک قدرت‌هایی مانند ایالات متحده و متحدان غربی آنها قرار دارد. علاوه بر آن، کشور ایران اکنون در سطح منطقه و در بین کشورها و قدرت‌های جهانی نقش و قدرت تعیین‌کننده‌ای دارد و مؤلفه‌ای مهم در معادلات سیاسی و تصمیم‌گیری‌های جهانی محسوب می‌شود، به‌طوری‌که سیاست «منهای ایران» هیچ‌گاه نه در منطقه و نه در جهان قابلیت اجرایی‌شدن ندارد.

به عقیده تحلیلگران، جهت‌گیری سیاست خارجه ایران در تمام مناقشه‌های منطقه چه در فلسطین، سوریه، قریه‌باغ و افغانستان به سمت ایجاد امنیت و ثبات حفظ منافع کشورها در قبال آن بوده است. ایران با فعالیت‌های برون مرزی برای کسب این جایگاه، حتی به یک نیروی بازدارنده تبدیل شده و معادلات آتی غرب را به نقطه شکست رسانده است. علاوه بر آن، توسعه همکاری مشترک ایران با سایر کشورها و روند رو به سرعت الحاق ایران به سازمان بین‌المللی حقوق‌موید است برای مقابله با سیاست‌های سلطه‌گرایانه غرب است، مانند بریکس و شانگهای خطر جدی برای غرب به نظر می‌آید.

از این میان، تثبیت قدرت‌های جدید مانند چین و روسیه و تضعیف نسبی هژمونی امریکا، فضای را ایجاد کرده است که ایران بتواند با اتحاد با این قدرت‌ها، نقش خود را در معادلات منطقه‌ای و جهانی ارتقا دهد. از این رو است که همکاری‌های ایران با روسیه با مشارکت در ابتکارات چین (مانند توافق ۲۵ساله) از سوی غرب به عنوان عاملی برای تشدید خطر تلقی می‌شود. از این رو دشمنان و در رأس آن امریکا، از هر ابزاری برای تحت فشار قرار دادن واکنز واکتوبان ایران استفاده کرده‌اند.

غرب با تحریم‌ها، تروهای هدفمند از ابتدای انقلاب و اتهامات مرسوم به برنامه هسته‌ای و موسکی ایران، این تقابل را به سطحی بحرانی رسانده است و هرگونه تلاش ایران برای تثبیت الگوی خود را به عنوان «تهدید» جلوه می‌دهد، اما این تلاش‌ها براسوایی دولت امریکا و رفتار تهاجمی غرب در قبال مردم بی‌دفاع جهان با شکست مواجه شده است و اکنون کاخ سفید در میان افکار عمومی به دلیل همکاری با رژیم‌صهیونیستی، شریک جنایت در فلسطین محسوب می‌شود. علاوه بر آن، با ملاشدن ماهیت تروریستی و غاصب بودن رژیم اشغالگر، امریکا کشیده به تروهای اصلی در حمایت از «تهدید» برای جهان معرفی کرده است.

آیت‌الله کعبی: دستگاه‌های امنیتی بر راهبرد امنیت دیجیتال متمرکز شوند

است، سبب تقویت دفاعیات امنیتی در کشور می‌شود.

وی با اشاره به مؤلفه‌های موفقیت دستگاه‌های اطلاعاتی ایران ادغان داشت: از مهم‌ترین مؤلفه‌ها موفقیت دستگاه‌های امنیتی کشورمان توکل بر خدا، هوشمندی سربازان و افسران امنیتی ما و همچنین برخورداری از ظرفیت ملی مردمی و استفاده از علم و فناوری و افزایش مقاومت و تقویت ایمنی جلوگیری از رخنه دشمن و مدیریت سطح بالا و عملکردهای راهبردی، همه در موفقیت افسران امنیتی و دستگاه‌های اطلاعاتی کشور مفید و مشیرنم بوده است. آیت‌الله کعبی همچنین گفت: امروز در شرایطی هستیم که سربازان گمنام امام‌زمان (عج) در شرایطی پیچیده با سرویس‌های جاسوسی بزرگ دنیا مقابله می‌کنند که باید گفت دستگاه‌های امنیتی ایران، توطئه‌های ضدامنیتی را خنثی کرده‌اند.

بودجه ۱۵میلیون دلاری امریکا به بنیاد ضد ایرانی برومند

شدد رؤیا برومند، مدیر اجرایی بنیاد به خاطر خوش خدمتی به امریکا مسدال «تی‌پوچر» از انجمن حقوق بین‌الملل امریکا دریافت کند. بنیاد برومند یکی از سازمان‌هایی است که در حمایت از اغتشاشات و اعتراضات داخلی ایران فعال است و تلاش می‌کند گروه‌های تروریستی و ضدانقلاب را تطهیر کند. وب‌سایت این بنیاد هدف نهایی خود را «گذار اقدامات همچون جمهوری اسلامی ایران» و پیشبرد ارزش‌های دموکراتیک اعلام کرده است و این مؤسسه را تباط نزدیکی با «موقوفه ملی دمو کراسی» دارد که یکی از نهادسازی‌های جبهه‌های غرب‌گرا تغییرات رژیم‌ها در کشورهای مختلف است.

در یافت کمک‌های مالی

برای تغییر رژیم

یکی از مهم‌ترین مستندات حمایت امریکا از این نهادها، مکاتبات منتشرشده بین رؤیا و لادن برومند با افسران سازمان سیا در دوتی است. این اسناد نشان می‌دهند برومندها به مشاوران سیا و مقامات امرایی، جبهه‌های خارج امریکا در دوره ترامپ برای دریافت کمک‌های مالی اقدام کرده‌اند.

پیاده‌اشتت تصویرها

محمد رضا علیخانی

ترامپ و «پنجره اورتون»

قتل دلخراش دانشجوی دانشگاه تهران در جریان زورگیری و همچنین تجمع ۲۰۰ نفره مقابل سردر دانشگاه تهران در مطالبه رفع حصر، دو رویداد اخیر بودند که بار دیگر فضای سیاسی و اجتماعی کشور را تحت تأثیر قرار دادند. پرسش کلیدی این است که آیا این تجمعات بخشی از اعتراضات طبیعی و خودجوش دانشجویی و مردمی بود یا در چارچوب یک طراحی خارجی، نظیر پروژهای برای کشاندن ایران به میز مذاکره شکل گرفت؟ آیا این اعتراضات ادامه پیدا می‌کند یا با توجه به نزدیکی ماه رمضان و عید نوروز فروکش خواهد کرد؟

تقریباً هم‌زمان با آمدن ترامپ، طرح صدروزه او نیز در رسانه‌ها مطرح شد، طرحی که در آن راه‌اندازی فشار حداکثری بر ایران با تجربه بیشتر و رفع عبوب برنامه‌ریزی شده بود. جیسون برودسکی، مدیر سیاست‌گذاری پروژه اتحاد علیه ایران هسته‌ای (UANI) در توضیح این طرح به مطلب مهمی اشاره می‌کند: ضربه به ایران مانند ضربه طوفان‌الاقصی به رژیم‌صهیونیستی بدون واردشدن به جنگ، بیش‌تر نیز نتایج‌ناخواه‌شار «زن، زندگی، آزادی» داده و از حامیان این جنبش شکست‌خورده در خواست همکاری و ایجاد ناامنی برای حکومت ایران کرده بود. هم‌زمان با سفر نتانیاهو به امریکا نیز جملاتی در نشست خبری آنها شنیده شد: «باید کار ایران را تمام کنیم»!

حتماً شنیده‌اید که ترامپ هم سند فشار حداکثری را به منظور خلع سلاح کامل ایران در تمام حوزه‌های فناوری امضا کرد.

در متن منتشرشده از کاخ سفید، سیاست‌های رسمی امریکا علیه ایران به وضوح بیان شده است. کاخ سفید تأکید کرده است که جمهوری اسلامی ایران باید از تمامی مسیرهای دستیابی به سلاح هسته‌ای محروم شود و از نفوذ منطقه‌ای بازماند. فشارهای اقتصادی، تحریم‌ها و همچنین حمایت از ناآرامی‌های داخلی، بخشی از همین استراتژی است.

با آغاز این تحولات، همپیمانانی که همیشه پیاده‌نظام امریکا

و رژیم‌صهیونیستی بوده‌اند، یعنی منافقین و اراذل و اوباش سازمان یافته، نقش آفرینی کردند.

در سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ نقش این گروه‌ها را به وضوح دیدیم و حتی تلاش شد اراذل بیشتری را از زندان اوین راهی خیابان‌های تهران کنند.

همه این موارد را ذکر کردم تا بگویم اتفاقات اخیر و تجمع دانشگاه

تهران، آن هم از جانب کسانی که ظاهراً اینارگر بودند، جای تعجب

نداشت.

وقتی با وجود این همه برنامه‌ریزی، مردم در راهپیمایی ۲۲بهمن مشارکت و تحسین رهبری را کسب می‌کنند، باید هم دشمن دانده‌اند ورق‌های خود را خرج کنند.

تصمن برای رفع حصر در روز پنج‌شنبه ۲۵بهمن، با وجود حضور

پراکنده حدود ۲۰۰ نفر ناکام ماند، با این حال امنیت کسبه و مردم

مختل نشد و همین اصل ادامه پیدا کرد.

یک جوان از سوی اراذل و اوباش فشار شدت به دانشجویانی که همواره دغدغه‌مند برای موضوعات غیرمهم هستند، دست به اقداماتی زدند که دور از شأن دانشجو بود. استادی نیز در جمع حاضر شد و حافظان امنیت را دلیل و مقصر این اتفاقات دانست؛ دقیقاً چیزی که روی کاغذ و در عمل صحت ندارد.

برنامیزی گسترده این اعتراضات از سوی رسانه‌های خارجی نشان از

کم‌عملیات روانی حساب‌شده دارد که هدف آن، هدایت افکار عمومی

در راستای افزایش فشار داخلی بر حکومت ایران است.

این عملیات روانی از طریق تکنیک‌هایی نظیر «برجسته‌سازی»،

«وارونه‌سازی واقعیت» و «دشمن‌سازی از داخل» انجام می‌شود.

رسانه‌های وابسته به جریان غربی با پوشش مداوم این حوادث، تلاش

می‌کنند احساسات عمومی را تحریک کنند و افکار عمومی را به سمت ناامنی سوق دهند.

یکی از مهم‌ترین تاکتیک‌ها در این راستا «پنجره اورتون» است،

یعنی به تدریج یک موضوع غیر قابل قبول را به یک هنجار تبدیل

کنند. در اینجا، هدف آنها این است که هر گونه اقدام امنیتی کشور را

سر کویرگاه جلوه دهند و هنجار امنیتی را به عنوان امری نامطلوب

معرفی کنند، علاوه بر این از تکنیک «تکرار مستمر» استفاده

می‌کنند تا هر اتفاق، حتی یک قتل عادی در خیابان را در راستای

روایت خودشان تعریف کنند.

رسانه‌های دشمن همچنین با استفاده از «مهندسی تصویرسازی»

می‌کوشند فضای اعتراضات را گسترده‌تر از واقعیت جلوه دهند. آنها

از تکنیک «قاب‌بندی» نیز بهره می‌برند که به وسیله آن، واقعیت‌ها را

از زوایای دلخواه خود نمایش می‌دهند و پیامدهای منفی را برجسته

می‌کنند.

انتشار گسترده اخبار مرتبط با قتل این دانشجو و بزرگ‌نمایی ابعاد

آن در رسانه‌های خارجی، در حالی که جرائم مشابه در سایر کشورها

نادیده گرفته می‌شود، نشان‌دهنده رویکرد «دشمن‌سازی از داخل»

است که هدف آن تضعیف اعتماد عمومی به نهادهای امنیتی است.

در کنار این موارد، دشمنان ایران از تاکتیک «هراس‌افکنی» نیز

بهره می‌برند. با آنها بسا ایجاد نگرانی در بین شهروندان نسبت به

وضعیت اقتصادی، اجتماعی و امنیتی تلاش می‌کنند حس ناامنی

و عدم‌اطمینان را در جامعه افزایش دهند. این کار باعث می‌شود

شهروندان احساس کنند حکومت توانایی کنترل شرایط را ندارد، در

نتیجه به اعتراضات بپیوندند.

تمام این اتفاقات می‌تواند در راستای فشار حداکثری ترامپ باشد و

شاید یک حرف، یک عامل و یک تیم به دنبال ایجاد بحران در کشور

باشد که هر بار با شکست روبه‌رو می‌شوند و موفق به برانگیختن

خشونت عمومی نمی‌شوند.

راهبرد ایجاد بی‌ثباتی داخلی از طریق اعتراضات، یکی از ابزارهای

کلیدی برای وادار کردن ایران به مذاکرات است.

بر اساس سند استراتژی امنیت ملی امریکا، ایجاد «تراضیتی

داخلی» و «افزایش شکاف‌های اجتماعی» دو محور اصلی برای

تضعیف کشورهای هدف به شمار می‌روند، بنابراین برای هم‌زمانی این

اعتراضات با افزایش فشارهای بین‌المللی علیه ایران، اتفاقی تصادفی

به نظر نمی‌رسد.

در همین راستا، متن منتشرشده از سوی کاخ سفید، سیاست

ایالات متحده در قبال ایران را شفاف‌تر از همیشه بیان کرده است. این

سیاست‌ها شامل موارد زیر است:

۱. جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و موشک‌های

بالستیک قاره‌پیما.

۲. تضعیف پیاسه‌ایان انقلاب اسلامی.

۳. جلوگیری از تأمین مالی گروه‌های مقاومت در منطقه.

۴. اعمال تحریم‌های بیشتر و فشارهای اقتصادی برای ایجاد

بحران‌های داخلی.

شاید همین‌الان که این متن را می‌نویسم، همکاران ترامپ در حال

برنامه‌ریزی برای شب عید، شب‌های قدر و تولید برنامه‌های ویژه

برای افزایش دوقطبی در جامعه باشند؛ دوقطبی‌هایی که حتی اگر

به اغتشاش هم ختم نشوند، لاقال افزایش دشمن و عصیانیت مردم

را به دنبال داشته باشند، البته باز نزدیک شدن به ایام ماه رمضان و

تعطیلات نوروز، کاهش حضور دانشجویان در دانشگاه و افت ظرفیت

تجمعات را شاهد خواهیم بود. دشمنان این ملت، هر سناریویی که

طراحی کنند، باز هم به نتیجه نخواهند رسید.